

ساقینامه های خطی

وقف کتابخانه مدرسه فیضیه قسم
علینف منزوی
عرفان در لباس بزم آرای و باهنگ رزمی

در آغاز سده دهم در امان ادب منظوم فارسی در ایران نوزادی پدیدار گشت که از سه عنصر عرفانی و غنائی و حماسی تر کیب یافته بود. این مولود جدید تا سده یازدهم با انتقال به کشور هند بحد رشد رسید و کمال شیوع یافت، و از آن بیعد نیز تا پایان سده سیزدهم کمابیش از آن تقلید شد و کسانی چون عبدالنبی فخرالزمانی م ۱۰۳۷ ق و همت خان بخشی پسر اسلام خان م ۱۱۱۲ ق هر يك کتابی در تاریخ این منظومه ها و جمع آوری نسخه های آن تهیه کردند. کتاب فخرالزمانی بنام «میخانه» در ۱۹۳۶ م در لاهور توسط پروفیسور محمد شفیع چاپ شده و اکنون نیز مجدداً توسط آقای احمد گلچین معانی در تهران زیر چاپ میباشد. *تال جامع علوم انسانی*

چون من صورتی از این گونه منظومه ها برای درج در «ذریعه» تهیه کرده بودم، از من خواستند تا فهرستی از نسخه های خطی آنها برای این دفتر تهیه نمایم. چون من برای تعیین تاریخ نظم و شناسائی سراینده هر يك، بسیاری از آنها را خوانده و از سبک، و چگونگی تکامل آنها اطلاعاتی بدست داشتم، دریغ داشتم که از یاد آوری آنها گرچه خارج از موضوع است خودداری کنم.

و از این روی این مقال در دو بخش فراهم گشت:

I: پیدایش و تکامل ساقینامه ها.

II: فهرست نسخه های خطی آنها در کتابخانه های جهان.

۱- پیدایش و تکامل ساقینامه‌ها:

چنانکه پیداست صورت ظاهر این منظومه‌ها جنبهٔ فنائی دارد، لیکن از طرفی با آهنگ حماسی سروده شده است، و از طرفی گویندگان متأخر مفاهیم عرفانی از آنها خواسته‌اند. و بنابراین ما باید ارتباط و عنصر حماسی و عرفانی را با این منظومه‌ها در یابیم.

الف - آهنگ رزمی این منظومه‌های رزمی: میدانیم شعر رزمی ما آهنگ خاص داشته و شاعران آنرا ببحر تقارب میسرودند که از شش یاهشت «فعولن» ساخته شده است، چنانکه تازیان حماسیات خود را ببحر رجزشش یاهشت «مستفعلن» سروده‌اند. اما شعرهای رزمی ما بیشتر ببحرهای خفیف یا هزج سروده می‌شده است.

توصیف بزم آرایبی در منظومه‌های رزمی:

طبعی است منظومه‌های رزمی همچون شاهنامه نمیتواند بکلی از شعر رزمی خالی باشد و معمولا در آغاز هر بخش اندکی تغزل و توصیف بزم عیش دیده میشود و معمولا قهرمانان مجالس عیش، ساقی و مغنی و شاهد است.

در شاهنامه در موارد زیر از ساقی یاد شده است:

۱- در داستان جنگ هفت گردان:

بیمود ساقی می داد زو قلم
تو در دستان ساقی سینه زنی به قلم

تہمتن شد از دادنش شاد زود

۲- آمدن سکندر برسولی خویش نزد دارا:

بدو گفت ساقی ایا شاه فش

چہداری همی جام زرین بکش

۳- در داستان در دست شاپور دادن مالک دزطائر:

بدو گفت ساقی کہمن بنده ام

بفرمان تو در جهان زنده ام

چنانکه می‌بینیم در هیچکدام خطاب بساقی دیده نمی‌شود.
اما کهن‌ترین شعر فارسی که در آن خطاب بساقی و مغنی دیده شده است در شعر
منسوب بفخرالدین گرجانی در نیمه سده پنجم است که در فرهنگها برای ما باقی مانده
و گویا از منظومه‌نیست که ببحر تقارب سروده است:

بیا ساقی آن آب آتش فروغ
که از دل بر دزنگ و زجان دروغ

مغنی بیا و بیاور سرود

که ریزم زهر دیده صد زنده رود (۱)

آری توصیف مجالس عیش و نوش شاهان در شاهنامه‌ها، کهن‌ترین زمینه پیدایش
منظومه‌های بنامهای «ساقینامه» و «مغنی‌نامه» بوده است و بهمین جهت است که در
سده یازدهم وزن بحر تقارب شرط اصلی منظومه «ساقینامه» بشمار میرفته است (۲).
توصیف بزم‌های شاهانه در حماسه‌های ملی بسیار ساده و تحت الشعاع جنبه‌های
رزمی آن منظومه بوده است چنانکه مثال آنرا در شاهنامه دیدیم و سپس در سده پنجم
فخرالدین گرجانی بر جنبه بزمی آن افزوده و برای نخستین بار ساقی را مخاطب
خویش قرار داده است.

اما در سده‌های هفتم و پس از آن حماسه‌های دیگری نیز در زبان فارسی سروده
شد که آقای دکتر صفا آنها را «حماسه‌های تاریخی» نامیده‌اند. و بنابر آنچه ایشان
یادآوری کرده‌اند این منظومه‌ها از عناصر اصلی و خواص حماسه که در صدر کتاب
«حماسه سرائی» یاد کرده‌اند خالی می‌باشد، مثلاً «سکندرنامه» نظامی و امیر خسرو
دهلوی و جامی برای «هردمی» که در حال مجاهدت و نبرد برای تشکیل ملیت و مدنیت

(۱) مقاله آقای جعفر محبوب مجله سخن، اردیبهشت ۳۹ ص ۷۸-۷۹.

(۲) عبدالنبی فخر الزمانی در «میخانه» در باره کسانی که ساقینامه ببحر تقارب ندارند

گوید: گرچه ساقینامه ندارد لیکن ترجیع بندی بروش ساقینامه دارد... میخانه ص ۳۷ و ۳۸.

خود بودند» (۱) سروده نشده است، بلکه این حماسه‌ها تنها برای ارضای خاطر برخی از اشراف و شاهان سروده شده است که با مردم و افکار مردم رابطه نداشتند، و فقط برای «تخلیّد ذکر خویش» و یا حداکثر برای ایجاد شور در میان سران سپاه خویش، شاعران را مأمور می‌کردند که برخلاف ذوق طبیعی خود و دور از الهامی که از خانواده و جامعه خویش می‌گرفتند، شعرهایی بسرایند، و حتی درصدد نبودند که قهرمانان حماسه از خود این مردم باشند. و بهمین جهت هیچگاه این منظومه‌ها در دل مردم ساده، مانند شاهنامه فردوسی جای باز نکرد، و آنچه این شاعران سرودند بذهن عموم ملت راه نیافت (۲).

نسخه حماسه‌های اشرافی بزور زر ایشان استنساخ و پخش شد و باقی ماند، اما حماسه‌های ملی غیر از شاهنامه فردوسی بیشتر سینه‌به‌سینه منتقل و در قهوه‌خانه نقالی میشد تا آنکه نسخه‌های کمیاب آنها بروز گارما و بدوران طبع و نشر رسید.

یکی از خواص این حماسه‌های اشرافی یا «حماسه‌های تاریخی» (۳) مانند سکندرنامه آنست که در آنها به بزم آرایبی بیش از حماسه‌های ملی توجه شده است، و هر چه با تاریخ پیش می‌آیم این خاصیت در حماسه‌های اشرافی شدیدتر شده، تا آنجا که حماسه‌های هاتقی خبوشانی و قاسمی گونا بادی در سده دهم بزم آرائی را بجائی رساندند که منتهی بسرودن ساقینامه مستقل در آن سده بوسیله امیدی تهرانی و تقلید دیگران از وی گردید.

ب - مفهوم عرفانی ساقینامه ها :

البته درست است که عرفای ما اصطلاحات متعلق بعیش دنیوی و امیال و لذات جسمانی را بکار می‌برده و معانی عرفانی و لذات روحانی را از آن می‌خواسته‌اند، ایشان معانی لغوی را مجازی نامیده و معانی اصطلاحی خویش را حقیقی خوانده‌اند؛

(۲ و ۱) بخش خصائص منظومه‌های حماسی از کتاب حماسه‌سرایی در ایران دیده شود.

(۳) چون تاریخی بودن و یا اساطیری بودن در هر دو نوع حماسه ملی و تاریخی

دیده میشود، من بهتر دیدم که خاصیت «اشرافی» بودن را که جداکننده نوع دوم است متمیز آنها از «حماسه ملی» قرار دهم

پس عشق مجازی و حقیقی، می‌مجازی و حقیقی و امثال آن در ادبیات ما بوجود آورده‌اند. ولیکن ایشان تقسیم «حقیقی و مجازی» را تنها در مصطلحات عیش و نوش بکار نبرده بلکه در باره اصطلاحات مذهبی نیز همین رفتار را کرده‌اند، و از این‌راه توانسته‌اند در موقع لزوم میان امیال دنیوی و احکام مذهبی مقایسه‌ی تریب دهند، و با استفاده از پرده «حقیقت و مجاز» گاهی دسته اول را بردسته دوم ترجیح دهند.

مثلاً عراقی گوید:

ساقی قدحی که نیم مستیم	مخمور صبحی الستیم
از صومعه پابرون نهادیم	در می‌کده معتکف نشستیم
از جور تو خرقه‌ها دریدیم	وز دست تو توبه‌ها شکستیم

در می‌کده میکشم سبوئی	باشد که بیابم از تو بوئی
-----------------------	--------------------------

یا آنجا که گوید:

ساقی بده آب زندگانی	اکسیر حیات جاودانی
هم خضر خجل هم آب حیوان	چون از خطولب شکر فشانی

با ترجیح می‌کده بر صومعه و می بر آب حیات و ساقی بر خضر پیغمبر می‌خواهد چهار چوب خشک قدوسیت را بشکند، و بند عمای قشریان را پاره کند. اما اگر بد و اعتراض شود، می‌گوید: می‌حقیقی توحید را بر آب حیات مجازی دنیوی، و می‌کده حقیقی «مقام قاب قوسین» را بر صومعه مجازی چهار دیوار گلین، و ساقی‌الست را بر خضر جسمانی ترجیح داده‌ام.

و نیز عرفی گوید:

بیاساقی آن مست ته جرعه نوش

ببر تا سر کسوجه می فروش

که چون کعبه در سجده‌ی کرده گم

بسازد خراباتی از خشت خم

این طغیان عرفی علیه خشکیها، و شکستن چهارچوب تقدس مقدسات که بصورت

ترجیح خرابات بر کعبه ظهور کرده، برای آنان که سنگینی تحمیلات قشریان را احساس میکردند لذت بخش میبوده است، و اگر مورد اعتراض قشریان قرار میگرفتند بتقسیم «حقیقی و مجازی» متوسل میگشتند؛ که خرابات حقیقی یا مقام قاب فوسین او ادنی را بر کعبه مجازی سنك و گل ساختمان مسجد الحرام ترجیح داده است.

این دست اندازی با ماکن غیر قابل وصول و این شکستن چهارچوبه خشك مقدسات، برای نهضت صفوی که از آذربایجان شرقی و ساحل جنوبی خزر در آغاز سده دهم شروع شده بود. و میخواست تمام کشور ایران را بزریر سلطه خود در آورد سلاح بسیار مؤثر بود. و با در نظر گرفتن وضع موجود در کشور ایران در سده های هشتم و نهم؛ و حکومت ری و سالوسی، و تسلط فقیهان قشری سنی اشعری باتکای طبقات عالی بر جان و مال و ناموس مردم، و خفه کردن هر گونه صدای اعتراض بنام اجرای احکام مذهبی بوسیله محتسبان آری با بررسی آن وضع، با اهمیت این سلاح میتوان پی برد.

یکی از رازهای موفقیت صفویان در تسلط بر تمام کشور همین بند گسلیها و پاره کردن زنجیرهایی بود که مدت ها مردم ایران بزبان شاعران خود؛ از عبیدزاکانی گرفته تا حافظ شیرازی، با آن جنگیده بودند.

در سده دهم در ایران حماسه های بوسیله هاتفی خبوشانی م ۹۱۴ ق. و قاسمی گنابادی سروده شد که هم جنبه عرفانی آن نمودار و هم بنم آرای آن باندازه ئی زیاد بود که مورد تقلید معاصران ایشان شد و ساقینامه های مستقل بوسیله آمدیدی تهرانی م ۹۲۵ ق. و پرتوی شیرازی م ۹۴۱ ق. و صدقی استرآبادی م ۹۵۲ ق. و شرف جهان قزوینی م ۹۶۱ ق. و حیرتی هروی م ۹۷۰ ق. سروده شد.

این ساقینامه های مستقل از نظر آهنگ، مانند منظومه های هاتفی و قاسمی و به پیروی از نظامی و خسرو دهلوی و جامی ببحر هیجان انگیز و رزمی تقارب سروده شده بود، و از نظر مفهوم عرفانی (ضد قشری) از خسرو و جامی نیز پیشتر رفته، و درست تقلیدی از فخر الدین عراقی میباشد. و از هر دو جهت کمک شایانی به پیشرفت کار صفویان کرده است.

ولیکن ما میدانیم پس از آنکه خاندان صفوی از سلاح عرفان و تصوف استفاده لازم را کرد و بر ایران کاملاً مسلط شد، دیگر نخواست این اسلحه بدست مردم باقی ماند، و خود در صدد بستن دهان مردم و خوردن مکاتب فلسفی صوفیان و مسلط کردن قشریان بر آمد، و در ۱۰۰۲ ق. شاه عباس صوفیان را قتل عام کرد، و بسیاری از ایشان ناچار به هندوستان فرار کردند و بدربار اکبر شاه، که برای التیام دادن میان اکثریت هندو و اقلیت مسلمان، ناچار به دادن آزادی مذهبی بیشتر به مردم بود، متوسل شدند.

در سده یازدهم ساقینامه های عرفانی در هندوستان بحد اکثر اشتهار رسید و هر شاعری که بایش در صدد سرودن ساقینامه بر آمد.

II فهرستی از نسخه های خطی ساقینامه ها:

در این فهرست ساقینامه‌ها را بر تیب تاریخ مرتب کرده جای نسخه‌های هر یک را نشان میدهم، باید یاد آور شد همانطور که خواهم گفت؛ نخستین کس که ساقینامه مستقل سرود امیدی تهرانی و پرتوی شیرازی در سده دهم میباشند، ولیکن صاحب میخانه و جزوی برای شاعران پیشین نیز ساقینامه‌ها ساخته‌اند، بدین معنی که از منظومه های ایشان شعرهای پراکنده که مفهوم ساقینامه داشت استخراج کرده و فراهم آورده‌اند و امروز ساقینامه‌هایی داریم که منسوب بشاعران پیش از آن تاریخ است، من نسخه‌های آنها را نیز با قید تردید در نسبت، یافراهم شدن از دیگر منظومه‌های آن شاعر، در این فهرست یاد میکنم.

۱- سنائی غزنوی (۴۶۴-۵۲۵ ق). هیچکس ساقینامه بدون نسبت نداده جز اینکه در فهرست کتابخانه تاشکند ج ۲: ص ۳۳ مثنوی بی‌حرح و بدون منسوب داشته شده که آغاز آن چنین است.

بنام آنکه کرد از راه احسان

صراحی بدن را پر می جان

۲- نظامی م ۶۱۱ ق. فخرالزمانی عزتی ساقینامه‌یی برای آوازمثنوی رزمی وی

اسکندرنامه بیرون آورده که در «میخانه ۱۷-۲۶» چاپ شده است.

آغاز:

بیا تا ز بیداد شوئیم دست که بیداد نتوان ز بیداد رست
 ۳- فخرالدین عراقی (۶۰۴ - ۶۸۸ق) صاحب میخانه گوید: ساقینامه ندارد، لیکن
 ترجیح بندی بمضمون ساقینامه دارد که چنین آغاز شود:

در میکده با حریف قلاش بنشین و شراب نوش و خوش باش
 نسخه خطی آنرا بلوشه بشماره ۱۶۴۵ و ۱۹۹۵ معرفی کرده است. و در «میخانه ص
 ۴۹-۵۸» چاپ شده است.

این منظومه کهن ترین مانند خود است، لیکن تنها فخر الزمانی در سده یازدهم
 آنرا در ردیف «ساقینامه» ها نهاده و بعکس نداشتن وزن رزمی (بحر تقارب) خارج
 از آنها شمرده است.

۴- امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) شاعر بزرگ فارسی زبان هندی. عبدالنبی فخر الزمانی
 از منظومه «اسکندرنامه» وی يك ساقینامه بیرون آورده، که در «میخانه ص ۶۶-۷۱»
 چاپ شده است.

آغاز:

بیا تا بشادی و فرخندگی کاغذ علوم انسانی بر آریم با هم دمی زندگی
 ۵- خواجهوی کرمانی (۶۸۹-۷۵۳ق). صاحب میخانه ساقینامه یی از «هما و همایون»
 او استخراج کرده. و چلبی آن را ۹۰ بیت دانسته، و در «میخانه ص ۷۴-۷۹» چاپ
 شده است

آغاز:

بیا تا خرد را قلم در کشیم زمستی بعالم علم در کشیم
 ۶ سلمان ساوجی (۷۰۹-۷۷۸ق) هدایت بیتهایی از ساقینامه او آورده، و رشید
 یاسمی در احوال سلمان آغاز آنرا چنین آورده است:

بیا ساقیا مجلس عشرتی بیارای در بهترین صورتی
 و ساقینامه وی را کهن ترین ساقینامه دانسته است، لیکن من نسخه یی از آن ندیده ام

دور نیست بخشی از یکی از مثنویهای وی را متأخران بدین نام خوانده باشند .
 ۷- شاه شجاع (۷۲۳-۷۸۶ق) پسر مبارزالدین از امیران آل مظفر (ذریعه ۹:
 ۵۰۷و۴۹۹) در فهرست تاشکند ۲ : ۳۴۹ ساقینامه‌یی بوی نسبت داده و نسخه دیگری
 آنرا که چهارده بیت است محمد بن علی بن جمال الاسلام ملقب بشهاب منشی در فصل
 پنجم «منشآت» در ضمن منشآت سلاطین آورده است. این منشی میگوید : «روزی در مجلس
 خاص (مجلس شاه شجاع) بحث بیاساقی نظامی در میان آمده بود و حاضران متفق الکلمه
 بودند که بدین نمط سخن نمیتوان گفتن. پادشاه سعید ملتفت شد و این عقود در سلك
 عبارت منتظم گشت. بیاساقی...» نسخه منشآت با این ساقینامه نزد آقای سلطان القرائی
 در تبریز است . و گویا لقب ساقینامه را متأخران باین مثنوی داده باشند .

آغاز:

بیا ساقی آن روشنی بخش روح که چون زهره روشن بود در صبح
 ۸- حافظ شیرازی (۷۱۹-۷۹۲) (ذریعه ۹: ۲۲۲). فخر الزمانی درباره ساقینامه حافظ گوید:
 از هیچ دیوانی ساقینامه بسامانی بنظر نیامد ، مگر از خواجه حافظ، وغالباً در آن ایام
 ساقینامه گفتن متعارف نبوده مگر بدستوری که شیخ . . . نظامی . . . و امیر خسرو دهلوی
 فرموده اند^۱ و در این جزو زمان شایع شده، چنانچه همه کس میگویند « . چلبی
 گوید این ساقینامه در ۱۲۹ بیت است، لیکن در دیوان او چاپ بمبئی کمتر از این است،
 و قزوینی در چاپ خود از دادن نام ساقینامه بدان خودداری کرده است، گویا این نام را
 معاصران فخر الزمانی بدان داده اند .

۹- داعی شیرازی . م . ۸۷۰ق . (ذریعه ۹ : ۳۱۵) در پایان سته داعی نسخه ایندیا افیس
 ش ۱۲۹۸ مثنوی فارسی هست ببحر خفیف که چنین آغاز شده :

الحمد لو اهاب الانابة والشکر لمن له الاجابة

و مؤلف فهرست میگوید شبیه به ساقینامه است ، اما نه اسم دارد و نه بداعی منسوب
 شده است .

۱۰- جامی عبدالرحمان (۸۱۷-۸۹۸ق) صاحب میخانه از مثنوی او «خردنامه اسکندری» یک ساقینامه بیرون آورده، و در میخانه. ص ۹۶-۱۰۳ چاپ شده است.

آغاز:

دلا دیده دور بین بر گشای در این دیر دیرینه دیریای

۱۱- نوائی، میر علیشیر. م ۹۰۶ق. در فهرست تاشکند ساقینامه بی بوی نسبت داده و دو نسخه آنرا نشان داده است (۲: ۲۱۵ - ۲۰۸) و شاید ترکی باشد.

۱۲- هاتمی خبوشانی. م ۹۲۷ق. خواهرزاده. جامی. فخر الزمانی از مثنویهای بحر تقارب او مانند «تمرنامه» یک ساقینامه بیرون آورده و در «میخانه ص ۱۰۶-۱۱۰» چاپ شده است.

آغاز:

بنام خدائی که فکر و خرد نیارد که با کنه او پی برد

۱۳- امیددی تهرانی، خواجه ارجاسب، شاگرد دوانی و همزمان شاه اسماعیل صفوی که بتحریر یک سید قوام نوربخش در ۹۲۹ق. کشته شد. ساقینامه مستقل ببحر تقارب دارد که بخشی از آن در آتشکده و سپس در مجمع الفصحاء آمده، و همه آن در «میخانه ص ۱۲۸-۱۳۱» چاپ شده است. و نسخه آن در مجلس هست ۳: ۶۶۲. و گویا نخستین شاعر که منظومه بی مستقل باین نام در این وزن سروده همین مرد باشد.

آغاز:

حریفی که این نیلگون خم ازوست شراب طهور و سقا هم ازوست.

در این ساقینامه مانند ساقینامه نظامی، خطاب بساقی و مغنی؛ یک در میان دیده می شود.

۱۴- اهلی ترشیزی خراسانی. م ۹۳۴ق. در تبریز. مثنوی ببحر تقارب از وی در کتابخانه سپهسالار هست. و در فهرست ۲: ۵۷۰ آنرا ساقینامه خوانده است. ولی پس از مراجعه آشکار شد که به «سوگندنامه» و نیایش مذهبی بیش از ساقینامه ادبی مانند است.

آغاز:

الهی توئی واقف از حال من عیانست پیش تو احوال من

۱۵- پرتوی شیرازی (۸۷۰-۹۴۱ق) اصلاح گیلانی وساکن شیراز و شاه گروملاجلال دوانی بود، و منجم شاه اسماعیل صفوی شد، و قبر وی در سعدیه شیراز است. (ذریعه ۹: ۱۵۷). ساقینامه مستقل وی مثنوی ببحر تقارب و عرفانی است، و بصلح کل ورها کردن کفر و ایمان دعوت میکند، و خطاب بساقی و معنی هر دو است، و در پایان شیعی گری دارد. خدا را به امامان اثنی عشر و به تار و طنبور و چنگ و قانون سوگند میدهد و آل عبا را ستوده و پرتوی تخلص کرده است. فخر از زمانی گوید: «بهترین ساقینامه‌ها است و برخی آنرا بغلط بفردوسی نسبت داده اند...» نسخه‌های آن در (بادلیان ۲۶۶۶) و (سپهسالار ۱۴۳) و (ایندیافیس) هست. و در «میخانه» ص ۱۱۲-۱۲۶» در ۲۸۱ بیت چاپ شده است.

آغاز:

دلا پرده بردار از روی کار به مستی بدر پرده روزگار
 ۱۶- اهلی شیرازی ملامحمد. م ۹۴۲ق. مدفون در حافظیه شیراز (ذریعه ۹: ۱۱۳) وی ۱۰۲ رباعی مانند آنچه برای گنجفه ساخته بنام «ساقینامه» سروده که همه آنها باواژه «ساقی» می‌آغازد. و يك دیباجه نثری برای آن نهاده و در آنجا گوید: «مقصود از پیر خرابات و معان و می و جز آن اصطلاحات عرفانی میباشد...»
 آغاز دیباجه: بعد از حمد و ثنای جان آفرین و درود بر... نامش ساقینامه نهاد...

آغاز رباعیها:

ساقی قدحی که کار ساز است خدا و زرحمت حق بنده نواز است خدا
 نسخه‌های آن در (مجلس ۳: ۵۳۶) و (دانشگاه تهران ۲: ۱۸۴) و (ایندیافیس ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳) و (بادلیان ۱۰۲۷) و (پریتیش موزیوم. ریو ۲: ۶۵۹) دیده می‌شود.

۱۷- صدقی استرآبادی، سلطان محمد. م ۹۵۲ق. (ذریعه ۹: ۶۰۵) ساقینامه او مثنویست عرفانی ببحر تقارب و مستقل، و در ۳۰۷ بیت است.

آغاز:

خوشا حال مستی که منصوروار میسر شدش مستی پایدار
 نسخه آن نزد (سلطان القرائی) بخط حافظ حسین کربلائی تبریزی صاحب
 روضات الجنان، و نسخه دیگر نزد (فخرالدین نصیری) و (ایندیافیس ۱۷۶۲) هست.
 ۱۸- قاسم گنابادی در نیمه سده دهم و صاحب خمسه است. فخرالزمانی از دفتر
 اول و دوم «شهنشاهنامه طهماسبی» او، دو ساقینامه که ببحر تقارب و رزمی است بیرون
 آورده، و نخستین آنها در میخانه ص ۱۴۴-۱۵۲ چاپ شده است.

آغاز:

دلاگر نسیم خزان شد وزان بهار است و میخوارگان درامان
 ۱۹- حیدر کلیچه. م ۹۵۸ ق. مداح شاه طهماسب (ذریعه ۹: ۲۷۰). در فهرست
 (بادلیان) ساقینامه‌یی بوی منسوب شده است.
 ۲۰- شرف جهان (۹۱۹-۹۶۱) فرزند قاضی نورالهدی قزوینی (ذریعه ۹: ۵۱۵)
 ساقینامه مستقل ببحر تقاد و عرفانی، مانند پرتوی شیرازی دارد. و در «میخانه
 ص ۱۳۴ - ۱۴۰» چاپ شده است.

آغاز:

عجب مانده‌ام زین خم نیلگون که صد گون نرنگ آمد ازوی برون
 ۲۱- فضولی بغدادی. م ۹۷۰ ق. ساقینامه‌یی فارسی بنام «هفت جام» در ۳۱۲ بیت
 خطاب بساقی و مغنی و مناظره‌بانی و دیگر آلات موسیقی دارد. این ساقینامه همراه
 دیوان ترکی او در ۱۳۰۸ ق. در استانبول چاپ شده است.

آغاز:

سر از خواب غفلت چو برداشتم لوای فراست بر افراشتم
 ۲۲- حیرتی هروی تونی کشته ۹۷۰ ق. (ذریعه ۹: ۲۷۶) چلبی ساقینامه مثنوی
 ببحر تقارب بوی نسبت است.

آغاز:

بیا ساقی ای ترک رعنای من دو چشم تو در عین نعمای من

۲۳- وحشی بافقی (۹۳۹-۹۹۱ق.) ترجیع‌بندی عرفانی خطاب بساقی دارد. لیکن چون شرط وزن رزمی (بحر تقارب) در آن نبوده، نام «ساقینامه» بدان نداده‌اند. وفخرالزمانی با یادآوری این موضوع آنرا آورده و در «میخانه» ص ۱۵۵-۱۶۲ چاپ شده است.

آغاز:

ساقی بده آن باده که اکسیر وجود است

شوینده آرایش هر بود و نبود است

۲۴- مشفق در سده دهم. ساقینامه وی در فهرست کتابخانه تاشکند ج ۲ ص ۲۶ یاد شده است.

۲۵- ثنائی مشهدی، خواجه حسین. م ۹۹۶ق. ساقینامه وی مشنوی ببحر تقارب در (بادلیان ۱۰۳۷) هست. و در «میخانه ۱۶۶ - ۱۷۴» چاپ شده است.

آغاز:

بیا دل بمیخانه اهل زار

بکش جام معنی صورت گداز

۲۶- عرفی شیرازی (۹۶۶-۱۰۰۲ق) ذریعه ۹: ۷۱۲ ساقینامه وی ببحر تقارب و عرفانی بسبک هندی سروده شده، و در «میخانه» ص ۱۸۳-۱۸۵ چاپ شده است.

آغاز:

بیا ساقی این تشنگی را بسنج

پس از آرزوی دل ما مرنج

نسخه‌های این ساقینامه در (برلین ۹۲۰ و ۱۸ و ۱۵) (وبلوشه ۱۸۳۹) و (ایندیافیس) و (سپهسالار ۱۴۳) و (بادلیان ۱۰۵۲) هست.

۲۷- اقدسی مشهدی م ۱۰۰۴ق. ساقینامه وی در کشف الظنون یاد شده و در «میخانه» ص ۱۸۹-۱۹۴ چاپ شده و دستنویس آن در (ایندیافیس ۱۷۶۶) هست.

آغاز:

دلا صبح شد خیز و بشکن خمار

چونر گس سراز خواب مستی بر آر

۲۸- عسکری کاشانی ، حسن فرزند حسین ، که در آغاز سده یازدهم بروم و هند

رفته است ساقینامه وی در « میخانه . ص ۳۸۰-۴۹۱ » چاپ شده است .

آغاز:

دلا تا توانی ز غم شاد باش

ز اندیشه باطل آزاد باش

۲۹- صادقی کتابدار (۰۰ - ۱۰۱۰ ق) آقای احمد گلچین معانی ساقینامه‌یی

از مثنوی رزمی او « فتحنامه عباسی » بیرون آورده و نسخه آن نزد خود او در

تهران است .

آغاز:

بیا ساقی آن ساغرم ده بدست

که بر قلبگاه غم آرم شکست

۳۰- اسد بیک قزوینی . م ۱۰۱۴ ق . پسر محمد مراد معروف به شیخ ابوالفضل

ساقینامه وی مثنوی ببحر تقارب در ۱۲۵ بیت است .

آغاز:

بیا کز خرد پای برتر نهیم

بفرق خردمندی افسر نهیم

نسخه آن نزد آقای احمد گلچین معانی در تهرانست .

۳۱- حیاتی گیلانی . م ۱۰۱۵ ق . (ذریعه: ۲۶۹:۹) دومثنوی ببحر هزج دارد . اول

« سلیمان و بلقیس » در سه هزار بیت . دوم متمم « تغلق نامه » و آقای گلچین معانی

ساقینامه‌یی در ۹۸ بیت از « سلیمان و بلقیس » بیرون آورده است .

آغاز:

بیا ای ساقی خمخانه در دست

مراد خویش را چون باده کن مست

۳۲- شرف زرد تبریزی، م ۱۰۱۶ ق ۱. (ذریعه ۹: ۵۱۳) در دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲ «سه بیت از ساقینامه اورا که مثنوی است از «خرابات ج ۳» نقل کرده است و در فهرست (بلوشه ۱۹۹۳) بنام میر شرف‌الدین دیده میشود.

۳۳- نوعی خوبوشانی، م ۱۰۱۹ ق ۱. ساقینامه وی در «میخانه» ص ۲۰۲ - ۲۱۶ «و مآثر رحیمی ۳: ۶۳۸ - ۶۷۱» چاپ شده است و نسخه آن در (برلین ۹۲۸) (ایندیا آفیس ۱۴۸۵) و بریتیش موزیوم (ریو ۲: ۶۷۴) و (بادلیان) و (سپهسالار ۱۴۳) هست.

آغاز:

توئی اولین پیر میخانه ها

بیاد تو شبگیر پیمانها

۳۴- سنجر کاشانی (۹۸۰-۱۰۲۱ ق) هاشم بن حیدر معمایی (ذریعه ۹، ۴۷۲). ساقینامه‌ی مثنوی بحر تقارب در پانصد بیت دارد که در «میخانه» ص ۲۵۲-۲۵۸ چاپ شده است.

آغاز:

آلهی سینه‌ی درد آشنا ده

غم از هر دل که بستانی بماده

۳۵- تقی مازندرانی پسر پیرزاد مشهدی م ۱۰۲۱ ق ۱. وی در «مآثر رحیمی» ص ۱۰۵۷ «در شعرای دربار جهانگیر شمرده شده است. و ساقینامه وی درص ۱۰۶۵-۱۰۸۹ آن چاپ شده است.

آغاز:

ندارم سر خصمی روزگار

من و ساغر و دست و دامان یار

۳۶- صحیفی شیرازی کتابدار و صحاف م. ۱۰۲۲ ق. پدر اسپزی شیرازی است.

ساقینامه وی مثنوی بیحر تقارب است و در «میخانه» ص ۲۴۵-۲۴۹ چاپ شده است.

آغاز:

بده ساقی آن آب فکرت گداز

که بیرون دهد دل از این پرده راز

۳۷- شکیبی اصفهانی محمد رضا (۹۶۴-۱۰۲۲ ق.) ساقینامه وی «عشرت آبان»

نام دارد (ذریعه ۹، ۱۳۷) و در «میخانه» ص ۲۳۸-۲۴۴ و «مآثر رحیمی ۳: ۸۸-۹۴» چاپ شده است.

آغاز:

بیا تا ز میخانه بستان کنیم

بویرانه گشت گلستان کنیم

نسخه آن در (بادلیان ۳۷۶) هست.

۳۸- ظهوری ترشیزی نورالدین محمد (۹۳۳-۱۰۲۴ ق.) داماد ملک قمی (ذریعه

۹: ۶۵۶) ساقینامه او مثنوی بیحر تقارب است و چلبی آنرا ۸۰۵ بیت شمرده و دیگران

آنرا مثنوی و غزل و در ۴۰۰۰ بیت دانسته اند. بهر حال آنرا بنام برهان نظام شاه م ۹۶۱ ق. سروده است.

آغاز:

تتا می کنم اینزه پاک را

ثریسا ده طارم تاك را

نسخه آن در (برلین ۶۷۴ و ۹۳۱) و (دانشگاه ۱۴۷۱ و ۲۲/۲۶۱۸) و (بلوشه ۱۸۶۶) و (سپهسالار ۱۴۳۳) و (بریتیش موزیوم - ریو ۲: ۶۷۸) و (تاشکند) و (ایندیافیس ۱۵۰۱). و (فخرالدین نصیری) هست.

این منظومه در «میخانه ۲۶۹-۳۲۱» چاپ شده و نیز بتنهائی در لکهنو ۱۲۶۳ ق. در ۲۲۵ ص پخش شده است.

۳۹۵ پیری ترشیزی ابراهیم حسینی زنده ۱۰۲۵ ق شاگرد نوعی خوبشانی. مثنوی ساقینامه ببحر تقارب دارد.

آغاز:

خمار می کهنه نو گشت باز

مغنی توهم ساز مستی بساز

این منظومه در نسخه خطی میخانه متعلق با آقای گلچین معانی هست.

۴۰- ملک قمی. م. ۱۰۲۵ ق. ساقینامه او در «میخانه - ص ۲۶۲-۲۶۷» چاپ شده و در (ایند یا فیس) هست.

آغاز:

خراباتیم باده ناب کو

بیابانیم چشمه آب کو

۴۱- عتایی تکلو، حسن بیک پسر بخشی بیک. م. ۱۰۲۵ ق. ساقینامه او مثنوی ببحر تقارب است و در نسخه خطی میخانه آقای احمد گلچین معانی موجود است.

آغاز:

جهان را رباطی شمر چار در

تو از رفتن و آمدن بی خبر

۴۲- فغفور گیلانی. م. ۱۰۲۸ ق وی ترجیع بندی مستقل عرفانی دارد. و فخر الزمانی

گوید: «کر چه شرط بحر تقارب در آن نیست، ولیکن چون مفهوم ساقینامه دارد

آنرا آوردم... و در «میخانه» ص ۳۳۶-۳۴۲ چاپ شده است.

آغاز:

ساقی بده آن باده که خورشیدش را راست

چون آتش گلریز بدهان بهار است.

۴۳- عارف ایگی «سراج الدین حسن» (۹۷۶-۱۰۲۸ ق) اودرسده یازدهم دربنگاله

شعر بفارسی سره سروده است، و منظومه دروصف میهن خود شبانکاره سروده است.

(ذریعه ۹: ۶۶۶) ساقینامه او در «میخانه» ص ۴۲۷-۴۳۰ چاپ شده است.

آغاز:

چه داند کسی زیر این پرده چیست

رواننده چار سرمایه کیست

۴۴- ملکی قزوینی. ساقینامه بی در ۱۰۲۹ ق. سروده و در آن شاه پرویز راستوده

است. و در «میخانه» ص ۴۶۴-۴۶۷ چاپ شده است.

۴۵-۴۶- نظام دست غیب شیرازی م. ۱۰۲۹ ق. مثنوی ساقینامه او در (بادلیان

۱۲۱۴) و ایندیا افس ۱۵۳۴) و (برلین ۱۶۰۶) هست.

آغاز:

دلا چند بینی شکست خمار

شکستی گرت هست در توبه آر

و نیز ترجیع بندی دارد که آغازش چنین است:

ساقی بده آن باده که رزك لب یاراست

آن می که رخ ساقی ازورشك بهاراست

۴۷- زکی همدانی م ۱۰۳۰ ق. که مدتی مداخ پرناک حا کم لار بوده است. (ذریعه

۹: ۴۰۳) ساقینامه او در «میخانه» ص ۳۹۷-۴۰۱ چاپ شده است.

آغاز:

دلا تابکی بی می لاله گون

چونر گس بود جام عیشت ننگون

۴۸- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین کازرونی (۹۷۳-۱۰۳۰ ق) صاحب «عرفات العاشقین» (ذریعه ۹: ۱۷۳) ساقینامه او «نشاه بی‌خمار» نام دارد، و در فهرست (بادلیان) باو منسوب شده است.

۴۹- اوچی کشمیری م ۱۰۳۲ ق. فرزند ملا نامی کشمیری (ذریعه ۹: ۱۱۱) ساقینامه وی مثنوی بی‌بهر تقارب در «میخانه» ص ۴۹۳-۴۹۷ چاپ شده است.

آغاز:

چنین تابکی ترک ساغر کنیم

لب دل ز خون چگر تر کنیم

۵۰- طالب آملی م ۱۰۳۶ ق. (ذریعه ۹: ۶۳۶) ساقینامه او که نامش در میخانه ص ۳۸۴ آمده است ۳۵۰ بیت از مثنوی او بنام «جهانگیر نامه» می‌باشد و نزد آقای گلچین معانی در تهران هست.

آغاز:

دلا تا توانی کم آزار باش

بهر کار چون عقل هشیار باش

۵۱- محمد صوفی مازندرانی م ۱۰۲۵ ق. چلبی ساقینامه وی را ۲۸۹ بیت شمرده و در «میخانه» ص ۳۴۷-۳۶۰ چاپ شده، و نسخه‌اش در (برلین) هست.

آغاز:

الای دل مانده از کار و بار

به مستی و دیوانگی سر بر آر

۵۲- سروری کاشانی، محمد قاسم زنده ۱۰۳۶ ق. ترکیب بندی از وی بنام ساقینامه در مجموعه آفای گلچین آمده است.

آغاز:

ساقی بده آن آینه روی کرم را

آن شعله زن خرمن اندوه و الم را

۵۳- شفائی اصفهانی شاعر پز شک، م ۱۰۳۷ ق- ترکیب بندی از وی بنام ساقینامه در «میخانه» ص ۳۷۷-۳۷۹ چاپ شده است.

آغاز:

ساقی بده آن روغن چشم بلسان را

تا دست و دلی چرب کنم شعله جانرا

۵۴- عزتی قزوینی، عبدالنبی فخر الزمانی (۹۹۸ قزوین- ۱۰۳۷ ق. هند). وی در ساقینامه خود «نبی» تخلص کرده است. او ساقینامه هایی را که میشناخت در کتابی بنام میخانه کرد آورد که در ۱۹۲۶ م. در لاهور چاپ شده است (ذریعه ۹: ۷۱۵). و ساقینامه خودش در (ص ۵۱۰-۵۲۳) آن چاپ شده است.

آغاز:

شبی با خرد گفتم ای پیر کار

زمانه جوان شد ز فیض بهار

۵۵- امانی هندی م ۱۰۴۴ ق یا ۱۰۴۶، پسر مهابت خان پز شک شاهجهان (ذریعه ۹: ۹۵) ساقینامه وی مثنوی بیبحر تقارب (اندیا فیس ۱۵۷۰) هست.

آغاز:

۵۶- مشرقی ملک م ۱۰۵۰ ق. ساقینامه وی در «میخانه» ص ۴۰۴-۴۰۸ چاپ

شده و در (بادلیان ۱۲۱۴) هست.

آغاز:

ولا تابکی از هجوم خمار
 چو مستان کنی گریه بی اختیار
 ۵۷- فیاض لاهیجی، م. ۱۰۵۰ ق. مثنوی است ببحر تقارب .

آغاز:

بیا ساقی اسباب می ساز کن

سر خم بنام خدا باز کن
 نسخه آن مندرج در «تسکین القلوب» نوشته سده یازدهم درتر کیه است و رو نوشت
 آن توسط آقای مینوی برای آقای احمد گلچین معانی بتهران ارسال شده است .
 ۵۸- فرقتی، ابوتراب پسر بیک خواجه علی انجدانی معاصر سلطان محمد صفوی
 و فصیحی شاعر . م. ۱۰۲۶ ق. ساقینامه او ترکیب بند است و در میخانه ۳۲۴-۳۳۱
 چاپ شده است .

آغاز وقف کتابخانه مدرسه فیضیه قم

ساقی بده آن باده که ماه شب تار است

آن باده که گلگونتر خسار بهار است
 ۵۹- فروزی استرآبادی هاشم بیگ که «بحیره» را در کشمیر نگاشته . وی
 در ۱۰۲۵ ق. درد کن ساقینامه پی ساخته و برای شاه عباس فرستاده و آن در
 «میخانه ۴۴۴-۴۴۹» چاپ شده است .

آغاز:

دراین فصل کز فیض بادشمال

نسیم ارم را دهد گوشمال

۶۰- باقر خردکاشی شاگرد محمود نقطوی بود و پس از قتل عام ایشان محکوم
 بمرگ شده، اما او اسنشهدا درست کرد که نه برای تعلم بلکه برای عشق بماهروبی
 بآن مکتب میرفته است، و ازین راه شاه محکومیت او را به تعیند بشیراز تبدیل کرد
 (ذریعه ۱۱۹:۹) ساقینامه او مثنوی تقارب در ۱۹۳ بیت در مجموعه گلچین درتهرانست.

آغاز:

دلی دارم از درد ناساز تر

شبی دارم از ناله غماز تر

۶۱- برهان کاشی میرغروری ساکن شیراز و لارومداح حاکم آن سامان «پرناله»
بود. ساقینامه او در «میخانه ص ۴۵۱-۴۵۶» و در «مآثر رحیمی-ج ۳: ۱۱۵۲-۱۱۶۸»
چاپ شده است.

وقف کتابخانه ملیسه در شبیه ۱۳۰۲

آغاز:

ثنا گسترم پیر میخانه را

تجلی ده طور پیمانه را

۶۲- رابط اصفهانی، ملک محمد شاعر سده یازدهم که از نظامی پیروی کرده است.
(ذریعه ۹: ۳۴۴). در فهرست (بادلیان ۳۹۰) ساقینامه بی بوی نسبت داده است.
۶۳- رشدی، مداح خان خانان، که غیر از رشدی قمی است. مثنوی ساقینامه بیبحر
تقارب از وی در «مآثر رحیمی-ص ۱۲۰۲-۱۲۱۱» چاپ شده است.

آغاز:

بیا سوی میخانه آیدل بیا

بیا طالب فرد کامل بیا

۶۴- رضی آرتیمانی شاعر اصفهانی سده یازدهم (ذریعه ۹: ۳۷۱) ساقینامه او
مثنوی در ۱۳۹ بیت بیبحر تقارب، درد نبال دیوان منوچهری تصحیح شیخ عبدالکریم بن
عبدالحسین چ. سنگ تهران ۱۲۹۵ ق. و چاپ دوم آن، چاپ شده است.

آغاز:

آهوی بمستان میخانه ات

بعقل آفرینان دیوانه است

نسخه های آن در (بریتیش موزیوم) و (بادلیان) و (ایندیانا فیس ۱۵۲۲) و (برلین
۶۷۴) و (سپهسالار) و (سلطان القرائی) و (فخر الدین نصیری) و (سید محمد جزایری در
نجف) میباشد.

۶۵- شوکتی شاعر سده یازدهم. ساقینامه وی مثنوی در ۸۸ بیت به بحر تقارب در مجموعه گلچین خط ۱۲۶۸ ق. موجود است.

آغاز:

آلهی دلم را شکستی رسان

چو دیوانه کردی بمستی رسان

۶۶- صفی اصفهانی شاعر سده یازدهم اصفهان (ذریعه ۹: ۶۱۴) ساقینامه ناقص وی در «میخانه» ص ۵۴۸ آمده است.

۶۷- ضیائی جونپوری شاعر سده یازدهم چند بیت از ساقینامه وی در «میخانه» ص ۵۷۳ آمده است.

۶۸- طالب اصفهانی. شاعر سده یازدهم و از تبریزیانی است که به عباس آباد اصفهان کوچانیده شدند (ذریعه ۹: ۶۳۷) نصر آبادی در تذکره خویش (ص ۱۲۷) ساقینامه او را یاد کرده است.

آغاز:

آلهی بمستان صهبای عشق

بمجنون نهادان صحرای عشق

۹۶- فضیحی خراسانی در سده یازدهم. فخر الزمانی گوید: گرچه ساقینامه ندارد لیکن ترکیب بندی بمعنی ساقینامه سروده است. و آن در «میخانه» ص ۳۹۴-۳۹۶ چاپ شده است.

آغاز:

ساقیا آن قدح نور بیا

آن چراغ دل منصور بیا

۷۰- فوجی نیشابوری فرزند ملاقیدی. ساقینامه او در بریتیش موزیوم هست (فهرست راجع ۲ ص ۶۹۰).

۷۱- کامل چهارمی، قوام‌الدین بن نظام‌الدین طباطبائی، معاصر عزتی فخرالزمانی در سده یازدهم بوده، وساقینامه‌وی در «میخانه» ص ۶۹-۷۷» یاد شده است.

آغاز:

ساقی بده آن می که زبانش همه سوداست

چون دست و دل پیر مغان مایه جود است

- کلیم‌همدانی. ابوطالب. م ۱۰۶۱ق. ساقینامه وی در (بادلیان ۱۱۱۷) و (بریتیش موزیوم-فهرس ریو ۲، ۶۸۶) هست.

۷۲- گدائی. برادر فداخان ندیم‌خان خانان هندی. ساقینامه وی ببحر تقارب در مآثر رحیمی-ج ۴ ص ۱۳۱۶-۱۳۲۷ چاپ شده است.

آغاز:

بیاساقی اکنون که جشن سده است

دگر بار فتح در می‌کده است

۷۳- مایل، قطب دهلوی. نصرآبادی بعضی از اشعار ساقینامه او را یاد کرده است:

بنام چمن آفرین جهان خبابی کن شیشه آسمان

۷۴- محب علی‌سندی فرزند حیدرعلی تنوی. بخشی از ساقینامه‌وی در «میخانه» و تمام آن در «مآثر رحیمی ج ۳ ص ۵۰۲-۵۱۳» چاپ شده. و نسخه آن در (بادلیان) هست.

آغاز:

دلا صبح شد آفتابی برار

بنیلو فری جام آبی درار

۷۵- مرشد بر و جردی در سده یازدهم ساقینامه‌یی بنام محمدقلی پرناک حاکم لاردارد. و در «میخانه» ۴۱۴-۴۲۰» چاپ شده و (بادلیان ۶۱۳) هست.

آغاز:

بهارست دل مست و من درخمار

بیا ساقیا ساغر می بیار

۷۶- مسیحای کاشانی در سده یازدهم ، ساقینامهٔ وی در «میخانه ۳۶۹-۳۷۵» چاپ شده است و در (بادلیان ۲۱۴) هست .

آغاز:

دلا چند ازین دست برد خمار

بتاراج میخانه دستی برار

۷۷- مشرب کاشانی. ساقینامهٔ وی در (ایندیافیس ۱۷۶۶) هست.

۷۸ و ۷۹- قدسی مشهدی ، حاجی محمد جان . م ۱۰۵۶ ق . ساقینامهٔ وی در (بادلیان) و (ایندیافیس) و (بلوشه ۱۹۹۱) هست .

آغاز:

بنام خدائی که روز نخست

بپیماندام کرد پیمان درست

و نیز ترجیع بندی دارد که بر گردان آن چنین است:

عمریست که دریای خم افتاده خرابیم

همسایهٔ دیوار بدیوار شرابیم

۸۰- ادهم همدانی توپس کانی پسر رضی ار تیمانی م ۱۰۶۰ ق . ساقینامهٔ او در «سرو

آزاد . ص ۸۴» یاد شده ، و در (بادلیان) و (برلین ۷-۵۷) موجود است . از آنست :

دماغم ز میخانه پوئی شنید حذر کن که دیوانه هو بی شنید

۸۱- کلیم کاشانی همدانی میرابوطالب م ۱۰۶۱ ق ، ساقینامهٔ وی در (بادلیان ۱۱۱۷)

و (بریتیش موزیوم) هست (ریو ۲: ۶۸۶).

۸۲- سالک قزوینی میرزا ابراهیم . زاده ۱۰۲۱ ق . وزنده ۱۰۶۱ ق . (ذریعه ۹ : ۴۱۹) ساقینامه او در (مجلس) هست (فهرست ۳ : ۲۹۶) و سوگند نامه نیز در آن هست .

آغاز:

بنام خدایی که از صنع پاک
بگسترده خاک و بر آورد تاك

۸۳- فوقی یزدی فوق الدین احمد شاعر هزال انتقادی ، معاصر شاه عباس (۱۰۵۲- ۱۰۷۷ق) و صاحب خمسه هزلی (ذریعه ۷ : ۲۶۲) ساقینامه هزلی او در (مجلس) هست. (فهرست ۳ : ۳۷۵) . دارای ۵۴ بیت هزل انتقادی است ، و نشان دهنده دشمنی هیئت حاکمه وقت مرعوم و هنرر ارمی باشد .

آغاز:

جوی حاصلم نیست چون از هنر
کیجا چینم از نخل دانش ثمر
و در علت اقدام بهزل سرائی گویند : علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در این روزگار مزخرف صفت
بکارت نیاید جوی معرفت
کسی را که شد مضحکه پیشه اش

ز گرك حوادث چه اندیشه اش

۸۴- عزت هر وی . م ۱۰۸۰ ق . از امیران هند (ذریعه ۹ : ۷۱۴-۷۱۵) . ساقینامه وی ببحر تقارب در مرآت الخیال . ص ۱۲۱ چاپ شده است .

۸۵ و ۸۶ - آشنای شاهجهانی . میرزا محمد طاهر پسر ظفرخان احسن هندی (۱۰۸۰-۱۰۰۰ق) (ذریعه ۹ : ۷) ساقینامه بی مثنوی به بحر تقارب دارد (اندیا افیس - فهرست . ص ۸۶۶) .

آغاز:

بنام خدائی که از قدر و شان

خیم باده را نام کرد آسمان

و نیز در همان فهرست ص ۸۶۷ ساقینامهٔ دیگری بروش ترجیع بند از او یاد شده است.

آغاز:

ای باده کشان مرده که ایام بهار است.

۸۷- رشیدای زرگر عباسی شاعر شاه عباس که در ۱۰۸۱ ق در گذشته ساقینامهٔ او مثنوی تقارب در مضمون دیوانش در کتابخانهٔ ملک هست (ذریعه ۹: ۳۶۲) نسخه ناقص و ۲۸۵ بیت است و پس از آن جواهر الاسرار او است.

آغاز:

زهی عالم از نخل صنعت بری

ز خمخانه ات نه فلک ساغری

۸۸- بیخود لاهوری، جامی نامدار خانی، م ۱۰۸۴ ق. و استاد سرخوش. (ذریعه ۹: ۱۵۲) ساقینامهٔ وی مثنوی بیحرف تقارب است و در (ایندیا افیس ۲۸۹۹) هست. و در فهرس بلوشه ص ۴۷۸ ش ۱۹۱۵ او را عارف بی خود نامیده است.

آغاز:

الهی بمستان بزم نیاز...

۸۹- والا، اسلامخان بهادر. ساقینامهٔ خود را در ۱۰۷۴ ق. سرود، و نسخهٔ آن در (بنگاله ۲۷۱) هست.

آغاز:

بنامی کز باده مستی گرفت

ز شوقش عدم رنگ هستی گرفت

و مثنوی دیگر بنام «رزمیه» همانجا بشماره ۲۷۲ هست که چنین آغازد:

بده ساقی آن باده خوشگوار

که غم شکر آراست از هر کنار

۹۰- اظهاری. چلبی ساقینامه‌یی بوی نسبت داده گوید ۱۲۹ بیت است (کشف

الظنون) و شاید یکی از چند شاعر باشد که در ذریعه ۹: ۸۰-۸۱ یاد شده است.

۹۱- محمدرضا مشهدی. چلبی ساقینامه‌یی بوی نسبت داده و گویا همان نوعی

خبوشانی باشد.

۹۲- عاشقی. چلبی ساقینامه‌یی در ۲۵۰ بیت بوی نسبت داده، لیکن ممکن است

ترکی باشد.

۹۳- هلالی. چلبی ساقینامه‌یی بوی نسبت داده است.

آغاز: خوش آن دم که در بزمگاه است.

۹۴- ملهم کاشی، فرزند ملاعلی تجلی کاشانی (ذریعه ۹: ۱۶۷) پدر این شاعر

در ۱۰۲۱ق. در گذشته است. ساقینامه وی در ۲۰۸ بیت در مجموعه آقای گلچین هست.

آغاز:

الهی بمستان شوریده حال

بآن می که هرگز ندارد زوال

۹۵- مشرب کاشی. در عهدشاه عباس اول در تبریز در گذشته است. ساقینامه وی در

(این دیافیس ۱۷۶۶) هست.

۹۶- دوستی سمرقندی. در سده یازدهم در هند. فخر الزمانی مثنوی بیبحر تقارب بنام

ساقینامه بدون نسبت داده، که در «میخانه» ص ۴۳۲-۴۳۸ چاپ شده است:

آغاز:

بیا تا تماشای عالم کنیم

سری در سراپرده غم کنیم

۹۷- ذهنی کشمیری، در سده یازدهم. ساقینامه مثنوی داشته، و چند بیت آن در

«میخانه» ۵۷۲ آمده است.

۹۸- طغرای مشهدی . م ۱۱۰۰ ق . (ذریعه ۹: ۶۴۰) نسخه ساقینامه‌وی که مشنوی بمجر تقارب است و در (بادلیان) و (ایتندیا افیس ۱۵۸۶) هست .

آغاز:

زهی لطف سازنده آب و خاک

برقص آور سبز طاوس تاك

۹۹- عاقل هندی خافی رازی . م ۱۱۰۸ ق . (ذریعه ۹: ۶۷۴) . ساقینامه‌یی بنام وی در فهرست (بادلیان ۱۱۴۸) یاد شده است .

۱۰۰- ناصر علی سر هندی . م ۱۱۰۹ ق . ساقینامه‌و در (ایتندیا افیس ۱۹۵۲) هست .

آغاز:

بیا ساقی که فصل نو بهار است

قلع گلرنك وحی مطرب هزار است

۱۰۱- اشرف مازندرانی محمد سعید . م ۱۱۱۶ ق . (ذریعه ۹: ۷۸) چند بیت از ساقینامه او در « گلستان مسرت . ص ۴۳۳ و ۴۳۸ » آمده است .

۱۰۲- سرخوش لاهوری (۱۰۵۰-۱۱۲۶ ق) . (ذریعه ۹: ۴۳۹) ساقینامه او در پیشگفتار چاپ کتابش « کلمات الشعراء » یاد شده است .

۱۰۳- واضح . م ۱۱۲۹ ق . میر مبارک الله اراد تخان . ساقینامه او یک دیباچه دارد .

آغاز دیباچه :

شربنا علی ذکری الحیب مدامة

سکر نابها من قبل ان یخلق الکریم

آغاز متن :

بهشیار مستی که تاك آفرید . . .

نسخه آن در (ایتندیا افیس ۱۶۷۴) هست .

- ۱۰۴- بیدل دهلوی لاهوری، عبدالقادر (۱۰۵۴-۱۱۳۰ ق) صاحب «سرمه اعتبار» و «سوگندنامه» و «نکات بیدل». در فهرست تاشکند ۲: ۲۹۷ ساقینامه بی بنام «محیط اعظم» بوی نسبت داده است. و همچنین در گلستان مسرت ص ۴۲۴، ۴۳۳.
- ۱۰۵- آرزو اکبر آبادی سراج الدین علیخان (۱۱۰۱-۱۱۶۹ ق) دانشمند و مؤلف هندی (ذریعه ۹: ص ۵) ساقینامه او در فهرستهای (بادلیان) و (برلین) یاد شده است.
- ۱۰۶- اشراق مراغی، میر عبدالفتاح شیخ الاسلام مراغه. م ۱۱۷۵ ق. ساقینامه وی در ۲۰ ص. با مثنوی او «ریاض الفتوح» در تبریز بسال ۱۳۳۸ خ در مجموعه ۲۰ + ۵۲ + ۲۲ + ۷ ص. چاپ شده است. و با آن ستعلیقات سید یونسی و پیشگفتار از میرزا جعفر سلطان القرائی است.
- ۱۰۷- وارن، محمد شفیع شاعر سده دوازدهم و معاصر محمد شاه هندی و نادر شاه افشار. نام ساقینامه او در فهرست ریو ۱: ۲۲۶ آمده است.
- ۱۰۸- منشی بمرودی کرمانی، فرزند غلامرضا کرمانی که از شاگردان شیخ حر عاملی م ۱۱۰۴ ق. و مستوفی نادر شاه بوده است. اندکی از ساقینامه او در تاریخ قهستان تالیف آیتی. ص ۲۶۸ چاپ شده است.
- ۱۰۹- میر ابوطالب فندرسکی نواده میر فندرسکی فیلسوف. وی دنباله‌ی برای «حملة حیدری» منظوم باذل خراسانی ساخته. و بنقل ذریعه از «ریاض العلماء» یک ساقینامه نیز سروده است (ذریعه ج ۹: ۴۲ و ج ۱۲).
- ۱۱۰- راغب هندی، میر مبارک فرزند سید عاصم، پدرانش بلخی بودند که به هند رفته و خود در مدراس ۱۲۰۳ ق. در گذشت ساقینامه فارسی سروده است (ذریعه ۹: ۳۴۹).
- ۱۱۱- فتح علی شاه قاجار. م ۱۲۵۰ ق. ساقینامه او با دیوانش در هند چاپ شده است و نسخه آن نزد سلطان القرائی در تبریز و در کتابخانه (این دیا افیس) هست. گویا این شاه

میخواست لکّه ننگ عقب‌ماندگی و شکستهای نظامی خود را با ساختن وجهه ادبی برای خود جبران کند که این شعرها را سروده و یا دستور داده بنام او بسرایند و «خاقان» تخلص کنند.

۱۱۲- آقامحمود کرمانشاهی م ۱۲۷۱ ق. پسر آقامحمد علی بهبهانی است. او بعکس پدر صوفی کش خود ذوق عرفانی داشت، و ساقینامه‌ی سرود که در «مجمع الفصحاء» ج ۲ ص ۴۵۴ برخی از آن چاپ شده است.

۱۱۳- ساقی خراسانی م ۱۲۸۶ ق. (ذریعه ۹: ۴۱۶) ساقینامه‌ او در دیوانش (ص ۱۴۱-۱۵۵) در مجلس هست (فهرست ۳: ۲۹۵).

۱۱۴- اسرار سبزواری، حاجی ملاهادی م ۱۲۸۹ ق. (ذریعه ۹: ۷۲) ساقینامه‌ وی مکرراً چاپ شده است.

۱۱۵- هدایت رضاقلی م ۱۲۹۸ ق. ساقینامه‌ی دارد.

آغاز:

شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

الای خراباتیان الست

که از باده عشق هستید مست

۱۱۶- علی بن مهدی خراسانی م ۱۳۲۰ ق. معروف به شیخ الرئیس. ساقینامه‌ی بقارسی سروده است (ذریعه ۱۲: ۱۱۱).

۱۱۷- ادیب کرمانی، قاسم بن زین العابدین م ۱۳۴۸ ق. ساقینامه‌ او بوسیله آفای گلچین معانی از منظومه‌های انتقادی او که بلهجه کرمانی است بیرون آورده شده است.

آغاز:

بده ساقی آن جام لب ریز شود
که از هستیم بگسلد تار و پود

ناشناسها:

اضافه بر آنچه گذشت چند ساقینامه دیده میشود که تاریخ سرودن آن درست شناخته نمیباشد.

۱۱۸- حکیم عطائی. ساقینامه او در فهرست (ایندیا فیس ۱۷۶۶) یاد شده است.

۱۱۹- عیانی فرزند رفیقی. ساقینامه او در (ایندیا فیس ۱۴۸۳) هست.

آغاز:

بیا ای که عمرت بغفلت گذشت
زمن گوش کن یکدم این سر گذشت

۱۲۰- لسانی وحیه الدین. ساقینامه او در فهرست (بریتیش موزیوم) یاد شده است

(ریو: ۲: ۶۵۷)

۱۲۱- منشی محمد صادق. ساقینامه او در فهرست کتابخانه تاشکند ج ۲

ص ۸۳۱ یاد شده است.

۱۲۲- نائی. ساقینامه بی بنام او در فهرست (بادلیان ۱۲۰۳) یاد شده است.

۱۲۳- نشمی ساقینامه او در فهرست (بادلیان ۱۲۴۱) یاد شده است.

۱۲۴- نافع درویش مولوی. ترجیع بند ساقینامه بنام او در فهرست (بلوشه ۱۸۸۰)

دیده میشود.

۱۲۵- نظر. ساقینامه بی بنام او در فهرست (بادلیان ۱۲۴۱) دیده میشود.

۱۲۶- هاشم نقشبندی پسر محمد قاسم. ساقینامه او بنام «سبعه سیاره» است

و برای اختر سروده است (ایندیا فیس ۲۸۹۸).

۱۲۷- آگاه. نظام الدین ، احمد. ساقینامه او در فهرست (بادلیان ۱۲۳) یاد شده است .

۱۲۸- ژسوانت رای منشی هندو. ساقینامه‌یی داشته که در فهرست (ایندیا اوفیس ۱۶۹۵) یاد شده است .

۱۲۹- غیاثا . شاعری غیر از منصف یاد شده است ، و شاید حلوائی باشد. ساقینامه وی نزد آقای گلچین معانی هست و ۸۰ بیت میباشد.
آغاز:

زهی بهر تسبیحت ای نورپاک

بکف سبجه از خوشه بگرفته تاك

۱۳۰- مسیحی. ساقینامه او را که جزو « گوی و چوگان » اوست . تقی اوحدی و والهدر « ریاض الشعراء » یاد کرده‌اند.

آغاز:

ساقی وحدت قدحی از خم آر

باز رهان جان مرا از خمار

نسخه ناقص آن نزد آقای گلچین معانی در تهران هست .

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی